



۱

همه آمدند تا یوسف را کمک کنند

ابراهیم حاتمی کیا: قسمت نشد در نشست باشم کرونا یک سال به سراغم نیامد اما وقتی که آمد در چنین شیئی آمد. یوسف شانس آورد کسانی را در کنارش داشت که خوب بودند. دیوار سر صحنه رفتم و هر دو باری که رفتم، تجربه فیلم‌هایی که بازیگران زیادی دارد برابرم زنده شد؛ برخی طوفان‌ها هستند که تنش‌زای می‌شوند اما همه آمدند تا یوسف را کمک کنند. من فقط یک اسم در این فیلم هستم. من با فاصله کنار کار بودم و بقیه کارها را بچه‌ها انجام دادند. پیام این کارگردان در نشست خبری «شب طلایی»

۲



افتخار می‌کنم فرزند ابراهیم حاتمی کیا هستم

یوسف حاتمی کیا: افتخار می‌کنم فرزند ابراهیم حاتمی کیا هستم چه به لحاظ فیلمساز چه به لحاظ پدر، و باین حال پله اول را طوفانی برداشتم اما چون کارت تهیه‌کنندگی نداشتم از تجربه پدر استفاده کردیم. خدا را شکر فیلمنامه را دوست داشت. او فرد صریح‌الکلامی است اگر دوست نداشت به من می‌گفت. طرح‌های دیگری هم نشان داده بودم اما به من گفت اینها را بیرون بریز، سعی کرد استقلال من حفظ شود، او از دور ما را هدایت کرد. از صحبت‌های این کارگردان در نشست خبری «شب طلایی»

آقازاده، اما با استعداد

قصه با ساعد سهیلی شروع نشده و با او تمام نمی‌شود. در سینمای ایران، مناسبات و روابط سببی و نسبی در ورود به دنیای بازیگری بسیار مهم و مؤثر است. اگرچه حرف آخر آن نمی‌زند، اما تعیین‌کننده و تأثیرگذار است. ساعد از این مسیر به سینما آمده است، اما ماندگاری‌اش محدود به حضور و نام پدرش نیست. چه بسیار بازیگرانی که پیش و پس از او به واسطه مادر یا پدر، مقابل دوربین رفته و فراموش شده یا همواره در حاشیه باقی مانده‌اند.

ساعد سهیلی در کودکی و به پشتوانه حضور پدرش، مقابل دوربین رفت و طبیعی بود که در آن مقطع، حضورش در «شب برهنه» و «چارتنگولی» خبری از یک استعداد درخشان ندهد. آن فیلم‌ها برای مخاطب بزرگسال ساخته شده بود و حضور در چند سکانس، نمی‌توانست اعتباری برای ساعد

چهره روز



مجدده واعظی‌پور روزنامه‌نگار

به بهانه حضور ساعد سهیلی در فیلم «شهرک»

محسوب شود. اما ساعد در دهه ۹۰ و با «چند متر معذب عشق» (برادران محمودی) به عنوان بازیگر جدی گرفته شد. شخصیتی دشوار و پرتلاطم که با بازی یکدست او شیرین، دوست‌داشتنی و قابل‌باور از کار درآمد. آنچه ساعد در یک دهه اخیر به عنوان جوان اول، در سینما تجربه کرده، اغلب قابل‌قبول است و شاید ضعیف‌ترین فیلم‌های کارنامه‌اش همان‌هایی است که در آنها مقابل دوربین پدرش بوده است. اگر «گشت ارشاد» را از کارنامه ساعد حذف کنیم، به تجربه‌های متفاوت و جذابی برمی‌خوریم که برای بازیگری به سن و سال او، قابل توجه است. او در فیلم‌های معمولی و ضعیف کارنامه‌اش هم حضوری قابل‌قبول داشته و کمتر می‌توان بازی بد از او به خاطر آورد. این ویژگی‌ها نشان می‌دهد ساعد، در خانواده سینمایی سهیلی، دست کم تا اینجا از برادرش سینا و پدرش سعید، حرفه‌ای‌تر است.

پیوندهای خانوادگی، به چشم می‌آید و به قدرت بازیگری‌اش می‌توان اعتماد کرد. او که دو بار و برای بازی در «رخ دیوانه» (ابوالحسن داوودی) و «گشت ارشاد» نامزد دریافت سیمرغ بلورین شده در یک دهه گذشته در مسیر بلوغ‌گام برداشته است. ساعد اگر چه در فیلم‌های تجاری بازی کرده اما در انتخاب‌هایش حضور و همراهی با سینمای متفاوت را از یاد نبرده است. متر او برای انتخاب نقش‌ها، فقط بلندی آنها نبوده، در کارنامه این بازیگر جوان می‌توان تنوع نقش‌ها را دید. حضور قابل‌قبول در نقش پسری عاشق پیشه، از طبقه معمولی جامعه در «لاتاری» که علیه نابرابری عصبان می‌کند تا رنگی در «روز صفر» که با درک درست او از نقش، باورپذیر از کاردرآمده، توانایی‌های این بازیگر را عیان می‌کند. بازیگری که در «مالاریا» در نقشی بازی کرد که تیرگی و تاریکی‌اش تا انتها قابل پیش‌بینی نبود. معصومیت چهره ساعد سهیلی در این نقش، بی‌چیدگی شخصیت مرضی و احساس‌نسب به حنا (ساغر قناعت) را تا پایان فیلم به یک نقطه‌پر ابهام تبدیل می‌کرد.



امسال و در چهلمین جشنواره فیلم فجر، ساعد سهیلی با فیلم «شهرک» به کارگردانی علی حضرتی جوان در بخش مسابقه حضور دارد. از حال و هوای فیلم و براساس تجربه‌های قبلی کارگردان می‌توان حدس زد که با فیلمی شهری و متفاوت روبه‌رویم. فیلمی که می‌تواند نامزدی سیمرغ بلورین را برای ساعد سهیلی به ارمغان بیاورد؛ بازیگری که هنوز راهی طولانی در سینما پیش رو دارد و کارنامه و کیفیت بازی‌هایش نشان می‌دهد برای ماندن، پیش از پیوندهای خانوادگی، به استعداد و ممارست در حرفه‌اش تکیه کرده است.

یوسف حاتمی کیا در گفت‌وگو با «ایران»:

سینما را از پدرم آموختم

تجربه زیسته هریک از ما در روزگار کرونا با تجربیات سخت و تلخ همراه بوده است و هریک از ما در تجربه‌های شخصی خود، روی دیگری از زندگی را به خود دیده‌ایم و زندگی بشر امروز تحت تأثیر ویروس کرونا بوده است.

ثابت این بخش از تاریخ زندگی بشر در قالب داستانتان، فیلم مستند و انجام مصاحبه‌های تاریخ شفاهی ماندگار شده است. اما آنچه مسلم است سینما و پرده نقره‌ای سهم بسزایی در ثبت روزگار کرونا دارد. ماجرای یوسف حاتمی کیا و ساخت فیلم «شب طلایی» درست از همین نقطه آغاز می‌شود. ثبت تجربه‌های زیسته انسان در این ایام به روایت فیلمنامه و سینما. «شب طلایی» ماجرای یک خانواده است که در دوران قرنطینگی کرونا در خانه گرفتار یک ماجرا می‌شود و حاتمی کیا در نخستین تجربه فیلمسازی خود روابط پیچیده خانواده را به تصویر کشیده است. خانواده‌ای که در روزهای کرونا به دنبال گمشده‌های می‌گردند، گمشده‌ای که آنها را از هم دور یا به هم نزدیک می‌کند. یوسف حاتمی کیا در گفت‌وگو با روزنامه ایران از تجربه نخست فیلم خود و همراهی پدرش ابراهیم حاتمی کیا به عنوان تهیه‌کننده سخن گفته است.

کپروز

پریسا بهنامی خبرنگار

نگاهی به فیلم «شب طلایی» ساخته یوسف حاتمی کیا

خانه پنهان است

نقد فیلم



علیرضا تراقی منتقد سینما

روز تولد مادر است و ویا اینکه در خانواده میان برادران و خواهران اختلافاتی وجود دارد، اما روز آشتی کتان و پنهان کردن اختلافات زیر فرش است. در حالی که همه به این نمایش دوستی و همزیستی گرم ادامه می‌دهند معلوم می‌شود دو کیلو شمش طلای داماد خانواده که پیش مادر به امانت گذاشته شده بود کم شده و این آغاز به سطح آمدن همه اختلافات است؛ آغازی برای افشا شدن احساسات و رخدادهای پنهان مانده و جدی شدن بحران خانوادگی. اولین فیلم یوسف حاتمی کیا «شب طلایی» به لحاظ دراماتیک از الگوی آشنایی بهره برده است. فیلم جمع و جور و نسبتاً ساده‌ای است. از الگوی موقعیت بحرانی در یک خانواده در تاریخ درام بسیار دیده شده است؛ در این نوع درام‌ها به طور کلی وحدت بواسطه اختلاف، به سستی آشوبناک منتهی می‌شود و بنا به رویکرد مؤلف و روند درام، در پایان موقعیت تازه‌ای شکل می‌گیرد که با آگاهی تازه شخصیت‌های اصلی و تحول آنها همراه است. در این نوع درام شخصیت‌ها تقریباً به یک اندازه اهمیت دارند و درام موفق آن است که رنگ آمیزی متنوعی در آدم‌ها ایجاد کند تا بتواند در درون موقعیت اصلی موقعیت‌های کوچک جذابی را ایجاد نماید. حاتمی‌کیا ورود سریعی به موقعیت و درام دارد و فیلم زود جان می‌گیرد. شمایل تیکتال آدم‌ها را بر سرعت معرفی می‌کند و تنش را به روانی شکل می‌دهد.



عکس: سعید جلیلی‌پور

در زیرساخت درام «شب طلایی» خانه اهمیت زیادی دارد، این خانه قدیمی بنامت بزودی خراب شود و این خود اشاره‌ای است به پایان یک دوره و سبک زندگی این خانواده. اما کارگردانی با وجود تلاش‌هایی که برای معرفی خانه شده تا انتها فضا و حال آن ساخته نمی‌شود. یک خانه ویلایی قدیمی داریم که اتاق‌های زیادی دارد و با وسایلی پر شده که احتمالاً سرشار از قدمت و خاطره هستند، اما پلان‌های فیلم آنقدر مصروف نمایش از نزدیک آدم‌ها و موقعیت‌های پر تنش در رفت و آمدهای سریع و مداوم شده است که خانه پنهان می‌ماند. خانه‌ای که باید خود یک شخصیت می‌شد، غایب است و به همین علت بخشی از مسأله فیلم که پرانندگی خانواده و خروج

ترمیم‌ناپذیر آن از وحدت معطوف به خانه رو به ویرانی مادری است شکل نمی‌گیرد. قدیمی بنامت بزودی خراب شود و این خود اشاره‌ای است به پایان یک دوره و سبک زندگی این خانواده. اما کارگردانی با وجود تلاش‌هایی که برای معرفی خانه شده تا انتها فضا و حال آن ساخته نمی‌شود. یک خانه ویلایی قدیمی داریم که اتاق‌های زیادی دارد و با وسایلی پر شده که احتمالاً سرشار از قدمت و خاطره هستند، اما پلان‌های فیلم آنقدر مصروف نمایش از نزدیک آدم‌ها و موقعیت‌های پر تنش در رفت و آمدهای سریع و مداوم شده است که خانه پنهان می‌ماند. خانه‌ای که باید خود یک شخصیت می‌شد، غایب است و به همین علت بخشی از مسأله فیلم که پرانندگی خانواده و خروج

درام در پایان دوسوم ابتدایی فیلم تمام می‌شود. یعنی ما به‌عنوان مخاطب متوجه می‌شویم شمش‌ها کجاست اما فیلم در نهایت تعجب با پایان یافتن درام همچنان ادامه پیدا می‌کند، ادامه‌ای بی‌سرانجام که در آن علاوه بر داستان اصلی به خرده داستان‌ها هم سر سامان داده نمی‌شود. فیلمساز توجهش به روابط است اما این روابط تا جایی برای دیدن سوره‌ها واضح می‌شوند، اما گویی صدای خوبی برای شنیدن وجود ندارد، کلمات تلخ و گفت‌وگوها پر از اتهام و کنایه‌اند؛ اینجا گویی که نشنیدن از شنیدن بهتر است. این از نشانه‌سازی‌های بی‌ارزشی است که اثر موفق به ساختن آن می‌شود اما فیلم از اینگونه ظرافت‌ها برای بُعد دادن به فضای محدود درام کم دارد.

■ **آقای حاتمی کیا مخاطب با فیلم «شب طلایی» یک فیلم از کارگردان اگر حرفی نداری فیلم ناساز... و دومین نکته، زنده نگه داشتن حس تجربه‌گرایی در هر فیلمسازی است، یعنی هر فیلم را به مثابه اولین و آخرین فیلمت ببین و تا سرحد امکان نگذار که محدودیت‌ها یا ساختارهای حرفه‌ای عوامل سینما باعث از بین رفتن حس تجربه‌گرایی تو به‌عنوان فیلمساز بشود.**

پدر واری بحث تکنیک، دو نکته مهم را در من نهادینه کرد، اول آنکه حرفت چیست و اگر حرفی نداری فیلم ناساز... و دومین نکته، زنده نگه داشتن حس تجربه‌گرایی در هر فیلمسازی است، یعنی هر فیلم را به مثابه اولین و آخرین فیلمت ببین و تا سرحد امکان نگذار که محدودیت‌ها یا ساختارهای حرفه‌ای عوامل سینما باعث از بین رفتن حس تجربه‌گرایی تو به‌عنوان فیلمساز بشود.

■ **سینمای ایران فیلمساز آینده دار به خود کم ندیده است با تجربه‌های که می‌دانم در عرصه فیلم کوتاه دارید، فکر می‌کنید با «شب طلایی» تا چه اندازه سینمای ایران به آینده حرفه‌ای شما نیاز دارد؟**

امیدوارم تا زمانی فیلم بسازم که حرفی برای گفتن داشته باشم و بتوانم آن را به شکلی ارائه دهم که مخاطبان بعد از تماشای آن فیلم، از جهان فیلم جدا نشوند و کمی به آن فکر کنند. اگر این اتفاق بیفتد، می‌توانم به زیستم در سینمای ایران ادامه دهم.

■ **از اولین تجربه سینمایی خود «شب طلایی» بگویید.**

را ناراضی از در سالن‌های نمایش خارج نکند.

درباره فیلم اولی‌های چهلمین جشنواره فیلم فجر

اینجا چراغی روشن است

فرامتن



رفا مامی منتقد سینما

زمانی بود که فیلم اولی‌ها کارگردان‌های مبتدی و آوانگارد محسوب می‌شدند اما حالا نزدیک به پدیده‌های سینمای ایران از دل همین دسته از فیلمسازان ظهور می‌کند، حالا جذابیت جشنواره فیلم فجر که تماشای فیلم‌ها در آن را وسوسه‌انگیز می‌کند به حضور فیلم اولی‌ها برمی‌گردد؛ فیلم اولی‌هایی که نشان دادند نسل جدید و جوان فیلمسازان نه کارگردان‌های مبتدی که مترفی‌اند و آنها هستند که

سطح و مرز استاندارد‌های فیلمسازی را تعیین و جا به جا می‌کنند. اما امسال همه فیلم اولی‌ها یکدست نیستند و دست‌کم شاهد سه گونه فیلم اولی در جشنواره هستیم. یکی فیلم اولی‌های مستقلی که اغلب کار خود را با ساخت فیلم‌های کوتاه آغاز کردند و با پختگی گام به گام در فیلمسازی به تولید نخستین فیلم بلند خود رسیدند. همچنین برخی از آنها تجربه مستندسازی هم در کارنامه خود دارند و شگفتی‌ها یا پدیده‌های جشنواره اغلب در میان این گروه پدیدار می‌شود. فیلمسازان مستقلی که بدون هیچ ربط و نسبتی خانوادگی یا سیاسی و صرفاً مبتنی بر توانمندی‌های سینمایی، فیلم اول خود را ساختند. در جشنواره

امسال کارگردان‌هایی همچون «کاظم دانشی» با فیلم «علفزار» و امید شمس با فیلم «ملاقات خصوصی» نیز از این دسته هستند و «هادی حجازی فر» را هم گرچه چهره شناخته شده‌ای است اما می‌توان در همین گروه قرار داد که نخستین فیلم کوتاه خود در مقام کارگردان را به جشنواره آورده است. اما گروه دوم فیلم اولی‌ها که کم هم نیستند فیلمسازانی‌اند که به واسطه نسبت خونی و خانوادگی و اغلب به پشتوانه پدران خود فیلم ساخته‌اند. در جشنواره اغلب در میان این گروه پدیدار می‌شود. فیلم اولی‌ها یا پدیده‌های جشنواره اغلب در میان این گروه پدیدار می‌شود. فیلمسازان مستقلی که بدون هیچ ربط و نسبتی خانوادگی یا سیاسی و صرفاً مبتنی بر توانمندی‌های سینمایی، فیلم اول خود را ساختند. در جشنواره



به همین سادگی

و بهترین چهره‌پردازی را کسب کنند. سیمرغ ویژه هیات داوران برای یک عمر دستاورد فنی و هنری به علیرضا زرین دست اهدا شد. همچنین در بخش بهترین فیلم از نگاه ملی (شرقی، دینی و ایرانی)، سیمرغ زرین به اثر فرزند خاک و پلاک طلایی سیمرغ به اثر «هفت رخ فرخ ایران» اهدا شد. سیمرغ بلورین ویژه تماشاگران نیز به فیلم «همیشه پای یک زن در میان است» به کارگردانی کمال تبریزی رسید.

آورد. همچنین این فیلم توانست سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه به نویسندگی سیدرضا میرکریمی و شادمهر راستین را در این دوره از آن خود کند. موسیقی متن آواز گنجشک‌ها، ساخته شده توسط حسین بازیگر نقش اول مرد به امین حیایی به خاطر بازی در فیلم شب رسید و هنگامه قاضیانی نیز موفق شد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن به خاطر ترتیب سیمرغ‌های بلورین بهترین تدوین

بلورین بهترین کارگردانی نیز با حضور کاندیداهایی چون: محمدعلی طالبی، خسرو معصومی و سیدرضا میرکریمی به مجید مجیدی به خاطر فیلم آواز گنجشک‌ها رسید. سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد به امین حیایی به خاطر بازی در فیلم شب رسید و هنگامه قاضیانی نیز موفق شد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن به خاطر ترتیب سیمرغ‌های بلورین بهترین تدوین

استشهادی برای خدا. در این دوره در قالب یک بزرگداشت از سال‌ها فعالیت هنری هنرمندی چون: پروانه معصومی، مسعود جعفری جوزانی، علی حاتمی و رسول ملاقلی‌پور تقدیر شد. سیمرغ بلورین بهترین فیلم، با حضور گزینه‌های دیگر مانند آواز گنجشک‌ها و باد در علفزار می‌پیچد، به فیلم «به همین سادگی» به کارگردانی سیدرضا میرکریمی رسید و سیمرغ

دوره بیست و ششم فیلم فجر در بهمن ماه ۱۳۸۶ تهران برگزار شد. این دوره که مورد توجه اهالی سینما قرار گرفت شامل این آثار است: به همین سادگی، آواز گنجشک‌ها، محبا، باد در علفزار می‌پیچد،

گاه‌شمار جشنواره

بیست و ششمین دوره بهمن ۱۳۸۶

این آثار است: به همین سادگی، آواز گنجشک‌ها، محبا، باد در علفزار می‌پیچد،